



## نمایشگاه آثار برنده سومین جایزه ویستا

گالری ویستا میزبان نمایشگاه انفرادی کلثوم صالحی است که سال گذشته یکی از دو برنده سومین دوره جایزه ویستا بود. این نمایشگاه با عنوان «تهی» يك اينستالیشن است و تا ۲۶ آبان در معرض تماشا قرار دارد. سال گذشته هیات داوران جایزه ویستا درخصوص کار کلثوم صالحی نوشته بودند: «ایده کلثوم صالحی

ویژگی‌های درونی ساختارهای معماری و پوست حیوانی را در همنشینی بیانگرانه‌ای پیش رو قرار می‌دهد».
صالحی برای معرفی اثر تهی خود نوشته است: انسان يك بایگانی است! زخمی را درنظر بگیرید که حتی وجود ندارد، چیزی برای مرهم گذاشتن و مراقبت کردن



## تاییدن نور بر جان خانواده‌های داغ‌دیده

یکی از زیباترین صحنه‌های همدردی ایران با کشور همسایه را برج آزادی تهران رقم زد. شهرداری تهران به منظور ابراز همدردی مردم ایران با ملت افغانستان و خانواده‌های جانباختگان حادثه تروریستی دانشگاه کابل به اجرای نورپردازی روی برج آزادی پرداخت. این نورپردازی (ویدئو مپینگ) از ساعت ۱۹ پنجشنبه شب ۱۵ آبان ۱۳۹۹ با حضور عبدالغفور لیوال؛ سفیر افغانستان در ایران، روی برج آزادی تهران اجرا شد.
اکران پرچم افغانستان و تصاویری با هشتگ «جان پدر کجاستی؟» بخشی از ویدئو مپینگ است که روی برج آزادی تهران به اجرا درآمد. تصاویر مربوط به این اجرا فقط به فاصله چندساعت در تمام شبکه‌های اجتماعی پخش شد و کاربران از صحنه‌های زیبای مربوط به این رویداد با اضافه کردن دلنوشته‌هایی استقبال کردند. می‌توانید دو عکس از این رویداد را در اینجا ببینید.

## دانشجویان در خط مقدم

تجربه نشان داده در حوادث این چنینی معمولاً دانشجویان بیش از سایر اقشار پیشرو هستند و می‌توان به آنها خیلی امیدوار بود. در این واقع نیز مثل همیشه دانشجویان دانشگاه‌های مختلف کشور به میدان آمدند و با حرکاتی نامدین به همدردی با مردمان کشور همسایه پرداختند. جمعی از دانشجویان ایرانی با حضور در مقابل سفارت افغانستان و روشن کردن شمع، یاد شهدای حمله تروریستی کابل را گرامی داشتند. دانشجویان همچنین با دست داشتن دستنوشته‌هایی، آمریکا و رژیم صهیونیستی را بنیانگذار داعش دانسته و با سر دادن شعارهایی، انزجار خود را نسبت به سیاست‌های خصمانه سرمداران آمریکا و رژیم صهیونیستی نشان دادند. برخی دانشجویان نیز در این مراسم از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان سرداری که لرزه به اندام تروریست‌های داعش و بنیانگذاران این گروه تروریستی می‌انداخت، یاد کرده و بر ادامه راه این سردار شهید تاکید کردند. پرچم‌هایی از جمهوری اسلامی ایران و افغانستان و تصاویری از شهدای دانشجوی کابل نیز در دست دانشجویان ایرانی قرار داشت. تعدادی از دانشجویان افغانستانی که در ایران مشغول به تحصیل هستند نیز همراه دانشجویان ایرانی در این مراسم حضور داشتند.



**تحلیل زبان‌شناختی عبارت «جان پدر کجاستی؟» در گفت‌وگو با محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی مقیم ایران**

# این فارسی روزمره ماست

روح بی‌تابی دارد این روزها محمدرضا کاظمی. دل آقای شاعر بی‌قرار هموطنانش است که به خاک و خون کشیده شده‌اند؛ این بار، هموطنان فرهیخته‌اش از دل دانشگاه. جوان‌هایی آینده‌دار که قربانی سیاست‌های افراط‌گرا در افغانستان قرار گرفته‌اند و او که شاعر است، از اینجا، ایران، از راه دور، بی‌تاب‌تر است. می‌گوید آدم در دل بلا راحت‌تر است تا دور از بلا. با او درباره «جان پدر کجاستی؟» و وجه نوستالژیکی که زبان فارسی هموطنانش برای ما دارد، حرف زدیم و سعی کردیم مزاحمتش نباشیم که حالش خوش نیست گرچه همیشه مهربان و متواضع است و پاسخگو.

بود و من این را که این حمله به خاطر مدنظر قرار دادن دانشجو‌ها به عنوان نماینده‌های همه قومیت‌ها و مذهب‌ها، درد و رنج بیشتری بر دل‌های‌مان نهاده، به عنوان يك عامل بیان کردم. در این میان تردیدی نیست که این جمله یعنی «جان پدر کجاستی؟»، خودش آن‌قدر ظرفیت داشت که به‌ناگاه همچون يك جرعه عمل کند. این عبارت از نظر عاطفی و از نظر رسانه‌ای بسیار موثر واقع شد. تنها خود واقعه نبود که این‌قدر برجسته شد؛ این عبارت از آن رو که هم از لحاظ عاطفی برجسته بود و هم لحنی پرسشی داشت، موثر واقع شد. این پیغام از چند منظر قابل بررسی است؛ هم اصطلاح «جان پدر» که در افغانستان رایج است در آن استفاده شده، هم کوتاه است و هم گویی موزون است و به لحاظ آوایی خوش‌آواست. به همین دلیل این جمله کوتاه مثل یک انفجار عمل کرد و همه‌گیر شد.

**همین عبارت «جان پدر کجاستی؟» که ظاهرابه**



شاعرانه به نظر می‌رسد. باری، در دهه‌های گذشته جمعی از استادان ایرانی به افغانستان رفته بودند و آنجا دیده بودند که دختری کوچک که متکدی بوده به دیگری گفته: «شرم کن از بیگانه دریوزه می‌کنی؟» این عبارت برای یکی از استادان ایرانی، بسیار شاعرانه و فاخر به نظر رسیده بود. او گفته بود این‌جمله ما زیاد متون کهن می‌اندازد. خب این در حالی است که چنین عباراتی در زبان روزمره افغانستان به صورت طبیعی به کار می‌رود. زبان فارسی افغانستان به خاطر قرابتش با زبان فارسی قدیم، جذابیت‌ها و برجستگی‌هایی دارد و از این رو گاه عبارتی معمولی در افغانستان، بیش از حد برای ایرانی‌ها جذاب می‌شود. **در این باره محمدکاظم کاظمی به یادداشتی از يك شاعر اشاره می‌کند که آن را هم در این صفحه می‌توانید بخوانید؛ یادداشتی از کبری موسوی قهفرخی.**

بارها پیش آمده اینجا دوستان ایرانی عبارت‌هایی

از يك کارگر افغانستانی یا آدمی که ادیب نیست به هر حال می‌شنوند و آن را به عنوان عبارتی ادبی به کار می‌برند. مثلاً آقای یوسفعلی میرشکاک، عنوان یکی از مقاله‌هایش را گذاشته بود «از تلخ پروا نیست». می‌گفت از کارگری که هموطن شما بود این را شنیده‌ام. نظایر این روایت را کم نداشته‌ایم.

**شما قربانی با دانشگاه کابل داشته‌اید؟**
بله. من با محیط دانشگاه آشنا بوده‌ام و به آجرافت و آمد داشته‌ام. آنجا آشنایان و اقوامی داشته و دارم که دانشجو هستند. به طور طبیعی انسان‌ها از راه دور نسبت به وقایع تلخ، موثرتر می‌شوند. ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید آدم در دل بلا باشد، بهتر است تا این‌که دور از بلا باشد. من وقتی در افغانستان بودم، نسبت به این مسائل نگرانی کمتری داشتم.

**در ایران اهالی ادبیات نیز مثل مردم به این حادثه دلخراش واکنش نشان داده‌اند. این واکنش‌های همدلانه را رصد کرده‌اید؟**

بله، و حجم واکنش‌ها برایم بسیار عجیب و دلگرم‌کننده بود. یادم هست در دهه ۷۰، به این فکر افتاده بودیم که مجموعه شعری از شعر شاعران ایرانی در رابطه با افغانستان گردآوری کنیم. با این‌که شعرهایی در این باره سروده شده بود. اما تعداد چشمگیر و آن‌قدر نبود که بتوانیم کتاب‌شان کنیم. حالا اما در عرض همین چند روز، شاعران ایرانی به اندازه يك دفتر شعر، درباره این حادثه شعر نوشته‌اند. حالا به این فکر افتاده‌ایم و حتی کار را کلید زده‌ایم که این شعرها را برای انتشار در قالب يك کتاب گردآوری کنیم.

«جان پدر کجاستی؟» متن پیامکی است از یک پدر که پس از ۱۴۲ بار تماس با گوشی فرزندش که از قربانیان فاجعه دانشگاه کابل بود، ارسال شد. این روزها این عبارت سه کلمه‌ای روزه بازی است برای ایرانیان و محملی شده برای ابراز همدردی با مردم کشور دوست و همسایه. فاجعه‌ای که در افغانستان روی داد با این روایت بستری شد برای سیلی از دل‌داری و تسلی خاطر از سوی ایرانیان به برادران و خواهران همسایه. ایرانیان در طول تاریخ در کمک و همدردی با مظلومان جهان ید طولایی داشته‌اند و بار دیگر در برابر یک فاجعه انسانی حس نوع‌دوستی‌شان آنان را به جنبش واداشته است. علی‌الخصوص



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

## پوسترهای خونین

علاوه‌بر حوزه شعر، هنرمندان حوزه تجسمی به‌خصوص طراحان در خصوص فاجعه کابل دست به کار شده‌اند. هر روز پوسترهای تازه‌ای با محوریت عبار «جان پدر کجاستی؟» منتشر می‌شود. یکی از این پوسترها را حمید قربان پور هنرمند خوش‌ذوق کشورمان طراحی کرده. نام قربان پور بیشتر با طرح‌هایی که در موضوع محرم و عاشورا زده، گره خورده است اما او هنرمندی است که موضوعات مختلف اجتماعی و دینی نیز فعال است. او با انتشار پوستر زیر صفحات مجازی چنین نوشت:

بر سر خاکم پس از صد سال اگر نامت برند  
آتش آهم بسوزاند همه گورو کفن (قاسم انوار)

بعد از حمله تروریستی به دانشگاه کابل موبایلی را پیداکردند که پدري ۱۴۲ با فرزندش تماس گرفته و بعد از این‌که جوابی دریافت نکرده پیام فرستاده که: جان پدر کجاستی؟

غم بزرگی ست این غم.  
باید پدر باشی تا بفهمی این یعنی چه!؟  
قلبم پاره‌پاره شد از این داغ.

**عبارت «جان پدر کجاستی؟» چ**

## مرثیه‌ای پدر فر

جان پدر کجاستی؟ چه رازی که جگر همه را می‌سوزاند و به جانباختگان دانشگاه کابل و در این جمله به‌کار رفته‌اند کلمه و پرکاربردند اما چه شده که ترکیه تاثیر شگرفی بر جان همه گذاش

این قدرت زبان، نوع ترکیب جادوی موسیقی است که ت مخاطبان را درگیر کند. به‌احتما پدري در اوضاع بحرانی مانند آنچه در دانشگاه کابل جفت‌وجور کردن کلام و موسیقی به شکلی ادبی و مو شده افزاینده، بلکه ممکن است القاگر پدیده‌ها، احساس اندیشه‌هایی نیز باشند. موريس گرامون، نخستین بحث را به شیوه‌ای علمی مطرح می‌کند. (قویمی، ۱۳۸۳: ممکن است کسی بگوید ولی در مطلب بالا سخن از ش در پیامک جان پدر کجاستي نیز ما با یک شعر روبه‌



کبری موسوی قهفرخی

شاعر و مدرس زبان و ادبیات فارسی